

## کلام مرحوم عراقی:

مرحوم عراقی از مسیری دیگر، امر به شیء را ملازم بلکه عین نهی از ترک شیء می داند:

«یتعیّن الأمر بكونه علی نحو الالتزام، نظراً إلى ما هو الواضح من الملازمة التامة بين إرادة الشيء و كراهة تركه بحسب الارتكاز بحيث لو التفت إلى الترك لیبغضه و يمنع عنه، نعم لا بأس بدعوی العینة بينهما بحسب الإنشاء بلحاظ كونه مبرزاً عن مبغوضیة الترك كإبرازة عن محبوبیة الوجود و مطلوبیته فتدبر.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. ممکن است بگوئیم امر به شیء و نهی از ترک آن، ملازم هستند چراکه:
  ۲. بین اراده یک شیء و کراهت از ترک آن (اراده فعل و اراده ترک) ملازمه هست، یعنی اگر آدمی به ترک یک امر محبوب توجه کند، آن را دوست نمی دارد [کراهت همان اراده ترک است و این دو عبارتند از شوق موکد نسبت به عمل و نسبت به ترک، که همان حُب شدید و بغض شدید می باشند].
  ۳. و ممکن است هم بگوئیم عین هم هستند، به این بیان بگوئیم «امر صلوة» همانطور که مُبرز اراده فعل است، مُبرز کراهت نسبت به ترک هم هست، پس از یک امر، دو حکم قابل استفاده است.
- ما می گوئیم:

(۱) فرمایش مرحوم عراقی، از دو قسمت تشکیل یافته است، قسمت نخست که سخن از ملازمه را طرح می کند، محتاج انضمام یک کبرای کلی است.

- الف) اراده فعل و کراهت ترک آن، ملازم هستند در وجود.
  - ب) ما باید از اراده مولا اطاعت کنیم و وجوب اطاعت، محتاج انشاء (بعث یا زجر) نیست.
- پس: از کراهت ترک فعل، حرمت استفاده می شود.

(۲) اما در قسمت دوم که سخن از عینیت مطرح است، می توان از فرمایش مرحوم آخوند استفاه کرد.

- الف) اراده فعل و کراهت ترک آن، ملازم هستند در وجود.

۱. عراقی، ضیاءالدین، نهاية الأفكار، ج ۲، ص ۳۷۷.



• (ب) امر به شی، حقیقتاً ایجاب فعل است و بالعرض و المجاز، تحریم ترک فعل است.

پس: با یک امر هر دو اراده ابراز شده اند. پس امر همان نهی را هم می فهماند.

(۳) مرحوم شیخ مرتضی هم همین مطلب مرحوم عراقی را تصریح می کنند.<sup>۱</sup>

(۴) اما به نظر می رسد قسمت دوم فرمایش مرحوم عراقی قابل مناقشه است چراکه:

اولاً: امر طلب یک فعل هست ولی اصلاً مُبرز کراهت از ترک آن نیست و لذا اینکه مرحوم آخوند می فرمایند بالعرض و المجاز، این طلب، زجر است، هم قابل مناقشه است چراکه مراد مرحوم آخوند از لفظ «بالعرض و المجاز» به معنی مجاز مصطلح که «معنای قصد شده توسط متکلم» نیست بلکه مراد ایشان «معنای غیر مقصوده ای که فهمیده می شود» است. (و لذا اشکال به ایشان که علاقه مجازیّه ای در میان نیست یا صحیح نیست)

و طبیعی است که «معنای غیر مقصوده» نمی تواند «منشأ» بوده باشد. پس امر فقط بعث را ابراز می کند.

ثانیاً: امر، یک ابراز کننده نیست بلکه اعتبار عقلایی است و همین طور زجر هم یک اعتبار عقلایی است که توسط آمر و ناهی انشاء می شوند. پس حتی اگر امر معنایی را ابراز کند، آن معنی انشاء نشده است تا وجوب یا حرمت از «اعتبار انشاء شده» انتزاع شود.

اما درباره قسمت اول فرمایش مرحوم عراقی نیز می توان گفت:

معلوم نیست از اراده نفسانیه مولا بتوان استفاده حکم الزامی کرد. (اگرچه این بحث محتاج تامل بیشتر است.)

<sup>۱</sup> مبانی الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۴.

